

قصه مهاجرت

انعکاس یک گزارش سه قسمتی

اشاره

روزنامه «سلام» در سه شماره شنبه ۲۰، دوشنبه ۲۲ و چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۷۵، یک گزارش سه قسمتی را به قلم «ع. بنی ریاح» تحت عنوان «اندرماجرای مهاجرت دانشجویان برجسته» منتشر نمود. آن قسمت از گزارش که بر پایه «نمادین» نیروهای «مستعد» دور می زند «مجله/استعدادهای درخشان» را به انعکاس آن وا داشت.



چند سالی است که تب مهاجرت کشور را فرا گرفته و گویا این تب نه تنها قرار نیست به عرق بنشیند، بلکه به تدریج تبدیل به بیماری مزمنی که بابتی تفاوتی طبیبان جامعه که همانا مسئولان نظام می باشند، ابعاد خطرناکی نیز می یابد. اگر در بدو پیروزی انقلاب مهاجرین منحصر بودند به وابستگان رژیم سابق و کسانی که از قهرملت می هراسیدند و اگر با شروع جنگ تحمیلی کسانی بار سفر بستند که یارای تحمل جنگ و مشکلات آنرا نداشتند، امروز میل به مهاجرت در میان مستعدترین و برجسته ترین امیدهای حال و آینده کشور یادرواقع «سربازان عرصه سازندگی» به چشم می خورد. کسانی که در شرایط فعلی وجود هریک از آنان ضروری است و بهره گیری صحیح از تواناییها و استعدادهای آنها گام بلندی خواهد بود در جهت ساختن ایرانی آباد و مستقل برای آشنایی بیشتر اذهان خوانندگان محترم با ابعاد خطرناک این بیماری اجتماعی به چند مورد خاص اشاره می کنیم:

از بین حائزین رتبه های اول تا سوم کنکور سراسری در گروه ریاضی - فیزیک مابین سالهای ۱۳۶۳-۱۳۶۹ حداقل چهارده نفر تا کنون از دانشگاه صنعتی شریف فارغ التحصیل شده اند. از این عده هفت نفر برای ادامه تحصیل به خارج رفته اند که برخی از آنان تا کنون دوره های تکمیلی را نیز به پایان رسانده اند. از بین این هفت نفر تنها یک نفر با بورس فرهنگ و آموزش عالی به کشور کانادا اعزام شده است.

شش نفر دیگر رأساً اقدام به اخذ پذیرش و بورس از دانشگاههای معتبر آمریکا نموده اند. همچنین از بین برگزیدگان المپیادهای فیزیک کشور در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ دست کم شش نفر در حال حاضر در دانشگاههای آمریکا نظیر استنفورد مشغول به تحصیل می باشند.

اینکه چه تعدادی از آنان به کشور باز خواهند گشت و یا چگونه آنها را جذب نمود، مواردیست که دقت و برنامه ریزی بیشتر مسئولان را طلب می کند.

گزارشگر روزنامه با مراجعه به ۶۵ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و ۳۵ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران (مجموعاً صد نفر)، تمایل آنان نسبت به خروج از کشور بعد از خاتمه تحصیلات را به پرسش گذاشت که ۵۶٪ با انگیزه ها و دلایل متفاوت به این سؤال جواب مثبت دادند. البته نتیجه پرسش از یک مجموعه صد نفری به هیچ وجه قابل تعمیم به سطح جامعه و حتی جامعه دانشجویی کشور نمی باشد، حتی همین ۵۶ نفری هم که تمایل خود را برای خروج از کشور ابراز داشته اند، غالباً به خاطر موانع قانونی، مشکلات مالی و ارزی و وابستگیهای عاطفی و خانوادگی قادر به مهاجرت نخواهند شد اما نکته قابل تعمق

اینست که به هر صورت چنین تمایلی در میان بسیاری از جوانان «مستعد» کشور حداقل به منظور ادامه تحصیل وجود دارد و کشورهای غربی نیز دقیقاً اقدام به جذب برجسته ترین آنان می نمایند. به عنوان مثال یکی از دانشگاه های امریکایی، علاوه بر اعطای بورسیه به یکی از دانشجویان سابق دانشگاه صنعتی شریف از اعمال ضوابطی نظیر امتحان تافل نیز صرف نظر کرده است. اما اینکه چرا نیروهایی، راهی کشورهای دیگر می شوند و استعدادها و توانایی های خود را در خدمت بیگانگان قرار می دهند، سؤال است که قبل از هر چیز باید جواب آن را در میان درد دل های خود آنان یافت. برای این منظور قسمت اصلی این گزارش را به گفتگو با دانشجویان دو دانشگاه مهم که محل جذب جمعی از استعداد های برجسته کشورند، یعنی دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران اختصاص داده ایم و در کنار آن گفتگو هایی با برخی از زبان آموزان مؤسسات زبان کیش و کانون زبان صورت گرفته است قصد داشتیم پیرامون این موضوع با تنی چند از مسؤلان دانشگاه صنعتی شریف هم گفتگو نماییم که به دلیل عدم همکاری دفتر ریاست دانشگاه و روابط عمومی فقط مصاحبه با آقایان مهندس مقدسیان رئیس دفتر ارتباط با فارغ التحصیلان و دکتر نایی معاون آموزشی دانشکده مهندسی برق میسر شد که از این دو استاد بزرگوار کمال تشکر را داریم. قبل از درج گفتگو هایی که با دانشجویان انجام داده ایم لازم است یاد آور شویم کلیه دانشجویان رشته های فنی مهندسی و علوم پایه (ریاضی فیزیک و شیمی) از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجویان رشته های علوم پزشکی، علوم انسانی و هنر از دانشگاه تهران در این گفتگوها شرکت کرده اند.

جایگاه علم در ایران مشخص نیست

آقای «ف - ک» دانشجوی رشته کارشناسی ارشد «مهندسی هسته ای» انگیزه خود برای سفر به خارج را ادامه تحصیل و اخذ درجه دکترا اعلام می دارد و علل آن را بدین گونه شرح می دهد: دانشگاه های ایران برای تغذیه دوره کارشناسی از امکانات کافی برخوردارند بویژه دانشگاه شریف که از بهترین دانشگاه های کشور میباشد اما برای دوره های تحصیلات تکمیلی امکانات کافی مهیا نمی باشد و دانشجو اگر بخواهد با کیفیتی مطلوب به تحصیل بپردازد ناچار است زحماتی را متحمل شود که وظیفه او نیست و دانشگاه سرویس دهنده باید این وظایف را تقبل نماید. اما مشکل اصلی را باید در جامعه جستجو نمود نه در دانشگاه. کلاً جو جامعه ما یک جو علمی نمی باشد و علم جایگاه مشخصی در آن ندارد. در نتیجه کسی که با زحمات زیادی خود را به بالاترین سطح تخصص میرساند وقتی در اجتماعی زندگی می کند که در آن پیشرفت و ایجاد صنعتی مستقل مد نظر نمی باشد بلکه آنچه مورد نظر است وارد کردن ابزارهای صنعتی است. عرصه ای برای بهره گیری از دستاوردهای خود نمی یابد و لیاقت او از لحاظ علمی نمیتواند وی را از جنبه مادی تأمین کند. موضوع دیگر این است که در این کشور به سبب عدم گسترش تحقیقات، احتیاج به علم و تخصص هم چندان حس نمی شود. در نتیجه کسی که در کشورهای خارجی ابعاد وسیع کارهای پژوهشی را می بیند و امکانات تأمین مادی بهره گیری از علم برایش وجود ندارد طبیعی است که راهی اینگونه کشورها شود.

تحصیل در خارج برای خدمت در داخل

در فضای سبز دانشگاه شریف سه تن از دانشجویان را می بینم که مشغول بحث و گفتگو می باشند. به سراغشان می رویم، هر سه نفر دانشجوی رشته مهندسی صنایع می باشند. با آنان نیز در مورد موضوع گزارش به صحبت می نشینیم. آقای حسین زندی در بین دوستانش به داشتن علایق ناسیونالیستی شناخته شده اند ولی با این وجود معتقدند، چون سطح علمی کشورهایی نظیر کانادا و امریکا در رشته های فنی و صنعتی بالاتر از ایران می باشد و بسیاری از صنایع ما نیز برگرفته از کشورهای غربی هستند، ادامه تحصیل در اینگونه کشورها برای خدمت به کشور خودمان هم بیشتر مفید فایده خواهد بود. آقای زندی به نکته دیگری نیز اشاره می کند؛ اول برویم ببینیم دانشجویان ما از ایرانی بودن چه می دانند آیا ایرانی بودن یعنی اینکه در ایران زندگی کنند. ما یکی از غنی ترین فرهنگها را داریم ما فردوسی را داریم حافظ را داریم، بوعلی را داریم و ابو ریحان بیرونی را که با تئوری ثابت کرد

قاره آمریکا وجود دارد اما چند درصد از دانشجویان این نکته را می‌دانند و با ابوریحان به چه میزان آشنایی دارند؟ متأسفانه چون مطالعه ما خیلی کم است، از فرهنگ خود دور افتاده‌ایم. عده‌ای هستند که بیش از اندازه غربی شده‌اند و عده‌ای دیگر بیش از اندازه مذهبی، در حالیکه ما باید خیلی جاها ایرانی بودنمان را حفظ کنیم. آقای حسین آذری در انتقاد به قسمت‌هایی از صحبت‌های دوستان «آقای زندگی» اظهار می‌دارد که: فرهنگ را باید در زمان سنجید، چیزی که از قبل بوده در صورتی جزو فرهنگ است که به حال رسیده باشد. ما هنوز هم به ابوریحان و رازی و ... تکیه می‌کنیم، در حالی که به نظر من علمی که ما در گذشته داشتیم و به زمان حال نرسیده، مدفون شده است شما فرهنگ مطالعه در ایران را در نظر بگیرید که چقدر پایین است، فرهنگ باید در زمان سنجیده شود و پویایی خود را حفظ کند. آقای آذری یکی از عوامل رشد مهاجرت را پدیده ای می‌داند که خود ایشان از آن به عنوان «زدگی» یاد نموده و در تشریح آن می‌گوید: در شهرهای کوچک نوعی مرکز زدگی در مراکز استان تهران زدگی و در تهران غربزدگی مشاهده می‌شود که عامل اصلی آن نابرابری امکانات در سطح کشور و وجود پدیده تبلیغات بخصوص از طریق تلویزیون، سینما و ماهواره می‌باشد. این عامل نه تنها در رشد مهاجرت به خارج مؤثر است بلکه در مهاجرت درون کشوری نیز تأثیر دارد. آقای صدری نیز در ادامه سخنان دوستانشان اشاره می‌دارد که به سبب ارتباط تنگاتنگ رشته مهندسی صنایع با صنعت ادامه تحصیل در کشورهای صنعتی مطلوب‌تر است زیرا تجربه آنان در اداره صنایع بسیار غنی تر از ما می‌باشد و مهندسين صنایع در اینگونه کشورها هم بیشتر تحویل گرفته می‌شوند و هم زمینه بیشتری برای بروز استعدادهای خود می‌یابند. انگیزه ادامه تحصیل در خارج حتی در میان نیروهای شناخته شده حزب اللهی هم وجود دارد. با آقای محمد ایزدی دانشجوی مقطع فوق لیسانس فلسفه علم و عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف نیز در این رابطه به گفتگو نشستیم.

○ به عنوان سؤال اول بفرمائید آیا خودتان هم قصد دارید به خارج بروید؟ و اگر چنین قصدی دارید انگیزه شما چیست؟

● فقط برای ادامه تحصیل مایل به خروج از کشور هستم ولی برای مواردی نظیر کاریازندگی در خارج خیر.

○ چه کشوری مورد نظرتان می‌باشد؟

● بدون شک از نظر علمی در رشته‌های مهندسی و علوم انسانی مسلماً آمریکا در درجه اول قرار دارد و در مرتبه بعدی، دیگر کشورهای غربی.

○ آیا امکان ادامه تحصیل در رشته فلسفه علم در کشور وجود ندارد؟

● در حال حاضر خیر.

○ به نظر شما چرا گرایش به خروج از کشور در بین قشر وسیعی از دانشجویان دیده می‌شود؟

● در مورد دانشجویان و بخصوص دانشجویان صنعتی شریف فکر می‌کنم انگیزه اصلی ادامه تحصیل باشد. اما من به شخصه با کسانی که می‌خواهند برای زندگی به خارج بروند هم عقیده نیستم و فکر می‌کنم انگیزه‌های رفاهی و مادی در میان آنان قویتر است. بخصوص برای کسانی که در سطح دکترا تحصیل کرده اند چون در ایران عملاً کاری به جز تدریس در دانشگاه وجود ندارد. جاذبه‌های محیط‌های پژوهشی خارجی بسیار بیشتر است آقای ایزدی با انتقاد از روحیه پشت میز نشینی تحصیلکردگان ایرانی به این نکته اشاره می‌کند که دانش آموختگان ما در وطن خود حاضر به پذیرش مشاغل علمی و اجرایی نظیر کار در مراکز صنعتی نیستند و تنها به مراکز آموزشی و پژوهشی توجه دارند. در حالیکه همین اشخاص در کشورهای دیگر به مشاغل پست تر از شأن علمی و اجتماعی خود نیز تن می‌دهند. آقای ایزدی به نقش جامعه و فرهنگ در گسترش روند مهاجرت در میان جوانان اشاره نموده و اظهار می‌دارد: به دلیل ضعف‌های مشهود در امور فرهنگی بخصوص در محیط‌های آموزشی دانشگاه و پیش دانشگاه متأسفانه انقلاب نتوانسته است به نحو شایسته‌ای زمینه جذب جوانان و نو جوانان را فراهم آورد. لذا نسل جدید در یک حالت بی تفاوتی نسبت به انقلاب به سر می‌برند. دختر خانمی ۱۹ ساله که از زبان آموزان کانون زبان می‌باشد قصد خود از فراگیری زبان را مهاجرت به خارج و تحصیل در رشته پزشکی عنوان نمود وقتی از ایشان پرسیدم که مگر نمی‌توان در ایران پزشکی خواند؟

دلایل خود را عدم رضایت از سطح تحصیلی در ایران و شانس ناچیز برای قبولی در کنکور ذکر کرد. معضل کنکور و آزمونهای ورودی مختص دیپلمه ها نیست بلکه تمامی کسانی که در رشته‌هایی تحصیل میکنند که تنها به طور ناپیوسته امکان طی مدارج عالیتر در آنها وجود دارد، با توجه به محدودیت ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها در مقایسه با خیل داوطلبان، به نوعی با این مشکل روبرو می‌باشند. آقای داود محمدی دانشجوی ترم آخر در رشته حقوق ابراز میدارد در صورت عدم پذیرش در دوره تحصیلات تکمیلی مایل هستم به کشور فرانسه یا کانادا بروم که رشته حقوق در این کشورها سطح بالایی دارد. میپرسم: چرا فکر میکنید که در آزمون ورودی پذیرفته نخواهید شد؟

بالاخره کنکور هست و هم امکان قبولی در آن هست و هم امکان مردود شدن.

○ چه تضمینی هست که در خارج بتوانید وارد دانشگاه شوید؟

● عده ای از دوستانم پذیرش گرفته اند ولی امکانات مالی هم مطرح است.

○ حتی ممکن است با تطابق واحدهای درسی دوره لیسانس نیز مواجه شوید؟

● صد در صد یک سری واحدهایی است که در تمامی دانشکده های حقوق دنیا ارائه میشود ولی در کشور ما به دلیل آمیختگی حقوق با فقه، دروس فقهی را در خارج نمی پذیرند. ولی از نظر مطالعه تطبیقی، فقه پویای ما در آنجا میتواند بسیار مطرح باشد. همانطور که قبلاً هم بوده و بسیاری از اساتید که مدرکشان را از خارج گرفته اند استفاده زیادی از فقه، چه در تحقیقات و چه در پایان نامه ها یا رساله های خود نموده اند و موفق هم بوده اند.

مشکلات صنفی

برخی از کسانی که با ایشان گفت و گو کردیم به مسائلی اشاره کردند که درواقع مسائل ومشکلات صنفی این اشخاص است. توجه به این گفتگوها، انگیزه‌های مشترک افراد را که موجب رواج مهاجرت در صنف خاصی می‌شود، بیشتر روشن سازد. آقای غلامرضا شیخ قاسمی دانشجوی ترم چهارم دوره کاردانی پروتز دندان عدم امکان ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی و بالاتر از آن را مسبب بروز احساس حقارت و کمبود در میان دانشجویان این رشته در مقایسه با دانشجویان دیگر رشته‌های پیراپزشکی می‌داند این امر موجب شده که دانشجویان این رشته اقدام به انصراف یا تغییر رشته نمایند و یا در پایان دوره آموزش برای ادامه تحصیل راهی کشورهای دیگر شوند. آقای شیخ قاسمی در ادامه سخنان خود یادآور شد که چندی پیش موضوع تأسیس دوره کارشناسی ناپیوسته برای این رشته در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد که متأسفانه معلوم نیست چرا به تصویب نرسید؟! و حتی به تقاضا نامه‌ای هم که با امضای عده زیادی از دانشجویان به وزارت علوم ارسال شده بود، ترتیب اثر داده نشد. با توجه به اینکه گستردگی این رشته بسیار وسیعتر از سطح کاردانی می‌باشد، فارغ التحصیلان آن عملاً از احاطه بر بسیاری از مطالب و فنون مربوط محرومند در نتیجه کیفیت کار آنان نزول می‌کند آقای شیخ قاسمی در خاتمه صحبت‌های خود از وزارت علوم تقاضا می‌کند به این مشکل دانشجویان رشته پروتز دندان توجه بیشتری مبذول دارند. در یک ظهر تابستانی عده‌ای از دانشجویان رامی بینیم که در فضای سبز دانشگاه شریف در حال استراحت می‌باشند. به جمعشان می‌روم و با یکی از ایشان به گفت و گو می‌نشینم.

○ آیا ممکن است خود را معرفی کنید؟

● خیر- بالاخره با تردید و احتیاط خود را «م-د» دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی هوا و فضا معرفی می‌نماید.

○ آیا مایل هستید بعد از خاتمه دوره فوق لیسانس به خارج بروید؟

● در شرایط فعلی اگر چنین تمایلی هم داشته باشم در حد خیال و رویا باقی می‌ماند.

○ ممکن است بیشتر توضیح بدهید؟

● گویا منتظر چنین سؤالی بود تالب به سخن بگشاید و از مشکلات خود و دوستان هم دوره‌ایش بگوید.

در سال ۱۳۷۱ من وعده ای از دوستان دیگر در آزمون اعزام برای دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شدیم اما در سال ۱۳۷۱ وزارت علوم اعلام کرد بدلیل مشکلات ارزی و گشایش این مقطع در داخل کشور، اعزام دانشجویان متفی شده و کسانی که در امتحان

اعزام پذیرفته شده‌اند در صورت تمایل می‌توانند در داخل کشور به عنوان بورسیه‌های وزارت علوم ادامه تحصیل دهند در ضمن هزینه‌هایی که قرار بود به صورت ارزی در اختیار این دانشجویان قرار داده شود، به صورت ریالی در بودجه دانشگاهی که احتیاج به مدرس در رشته هوا و فضا دارند، گنجانده شد تا دانشگاه‌های مربوط این مبلغ را تدریجاً به صورت بورس به دانشجویان بپردازند اما چون رشته هوا و فضا در سطح دانشگاه‌های کشور گسترش نیافته است، اکثر دانشگاه‌ها احتیاجی به فارغ‌التحصیلان این رشته ندارند. در نتیجه تا کنون مبلغی هم به عنوان بورسیه اینگونه دانشجویان پرداخت نشده است.

○ آیا از تحصیل در داخل کشور راضی هستید؟

● البته قابل مقایسه با خارج نیست ولی نسبتاً راضی هستم مشکل عمده این است که شاید بتوان رشته‌های نظری را و علوم پایه را در داخل کشور و در یک سطح قابل قبول ارائه نمود اما در رشته‌های فنی بویژه «هوا/فضا» اساتید داخلی تجربه عملی ندارند و صرفاً متکی به معلومات تئوریک هستند.

○ آیا قصد دارید در امتحان اعزام برای مقطع دکترا شرکت کنید؟

● گر چه اعتمادی به ثبات سیاست‌های وزارت علوم ندارم ولی شرکت می‌کنم.

○ آیا در صورتیکه بخارج اعزام شوید پس از پایان آموزش به ایران بازمی‌گردید؟

● فکر نمی‌کنم کسی بتواند بماند مگر آنکه رگ و ریشه‌ای نداشته باشد

○ آینده کار را در ایران چگونه می‌بینید؟

● در مورد کار در رشته خودم زیاد خوشبین نیستم و علت آن را ضعف مدیریت، اعمال سلیقه‌ها و عدم تمرکز مدیریت منطقی روی صنایع هوایی کشور می‌دانم. و گرنه ابزار و معلومات کم نداریم تخصص و نیروی انسانی کاردان هم موجود است ولی مدیریت ضعیف موجب اتلاف این امکانات می‌شود.

○ کسانی که نمی‌خواهند بروند چه نظری دارند؟

● آقای «ش-ک» دانشجوی رشته الکترونیک به شدت مخالف مهاجرت و حتی ادامه تحصیل در خارج می‌باشد و دلایل خود را اینگونه شرح می‌دهد: امروز در دانشگاه‌ها خلاء شدید شخصیت‌های علمی به چشم می‌خورد. آنهایی هم که هستند، خیلی قدیمی‌اند و کسانی که به تازگی آمده‌اند چنان در زندگی مادی غرق شده‌اند که به صورت اشخاصی خالی از علم درآمده‌اند. من به شخصه این بحران را ناشی از این می‌دانم که کسانی که می‌توانستند وزنه و ستونی باشند تا دانشمندان جوان گردآنان جمع شوند و به صورت جزیره‌های ثبات درآیند، رفتند و امروز نیستند. در چنین شرایطی شاید این حرف‌گزار باشد ولی من فکر می‌کنم اگر یک نفر هم بماند می‌تواند مؤثر باشد. پس من می‌مانم بلکه بتوانم باعث تغییر شوم. از وی پرسیدم: فکر نمی‌کنید اگر تحصیلات خود را در یک کشور توسعه یافته ادامه دهید و باز گردید، بتوانید مؤثرتر باشید؟ در جواب می‌گوید: اصلاً چنین فکری نمی‌کنم زیرا صنعت، دانشگاه و فرهنگ مابا آنها بسیار متفاوت است. شاید با رفتن به خارج بتوانم چیزی را بدست آورم که در ردیف اول جهان قرار دارد کما اینکه در برخی از استاد هایمان این را می‌بینم ولی به درد صنعت ما نمی‌خورد. بسیاری بر این نکته تأکید دارند که علت عقب ماندگی صنعت ما این است که دانشگاه‌های ایران در ردیف اول جهان جلو می‌روند ولی صنعتش نتوانسته است پا به پای آن جلو برود. دلیلش هم این است که کسانی که به خارج می‌روند، علم اول جهان را با خود می‌آورند اما صنعت اول جهان در اینجا موجود نیست تا آن را به عمل آورند.

آقای وحید نصیری فارغ‌التحصیل رشته حقوق قصد مهاجرت ندارد. زیرا امکان تحصیل در تمام مقاطع تحصیلی در رشته حقوق فراهم می‌باشد و مشکلی از این بابت ندارد. از لحاظ علمی این رشته دارای کیفیت عالی می‌باشد و رقابت گسترده‌ای هم با دانشگاه‌های معتبر جهان دارد. تا آنجا که ایشان اطلاع دارد دانشگاه اونتاریو کانادا کلیه واحدهای درسی دانشکده حقوق ایران را پذیرفته است. لذا با توجه به آمیختگی حقوق با مسائل فقهی لازم است این رشته را به نحو احسن در کشور خودمان فرا گرفته، آنرا با توجه به نیازهای حقوقی کشور به کار گیریم. به خصوص که در کلیه مقاطع از کارشناسی گرفته تا دکترا استادان معتبر و

مجبور داریم و هیچگونه نیازی نیست که به خارج برویم.

خانم حسین‌نیا دانشجوی دورهٔ دکترای شیمی در گفتگو با ما اظهار می‌دارد که زمانی قصد داشته برای ادامهٔ تحصیل به خارج برود اما با قبولی در آزمون ورودی دوره دکترای سفر منصرف شده است. در مورد سطح علمی رشته خود هم نسبتاً راضی است. بخصوص که دانشگاه با اعزام دانشجویان دوره دکترای به کشور آلمان در دوره‌های شش ماهه امکان آشنایی آنان با امکانات و تحقیقات تازه در کشور های صنعتی را فراهم آورده است.

در این گزارش سعی کرده ایم علاوه بر انعکاس مشکلات و خواسته های دانشجویان و دیگر کسانی که قصد مهاجرت دارند، از نظرات مسئولانی هم که به نحوی با این مشکل مرتبط هستند بهره بجویم در همین ارتباط مصاحبه ای با آقای مهندس مقدسیان رئیس دفتر ارتباط با فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف ترتیب داده ایم:

مهندس مقدسیان در پاسخ به این سؤال که تا کنون چند نفر تحصیلات خود را در این دانشگاه به پایان رسانده اند و چه تعدادی از آنها با دفتر شما ارتباط دارند، می گوید:

دانشگاه صنعتی شریف از سال ۱۳۴۹ که اولین دوره فارغ التحصیلان آن وارد جامعه شدند تا پایان سال ۱۳۷۴ دقیقاً ۱۲۷۵۰ نفر در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فارغ التحصیل داشته است. از این میزان با ۵۰٪ ارتباط مستقیم داریم و می توانیم در هر زمان که بخواهیم با آنها تماس بگیریم. حدود ۲۰٪ از عده باقیمانده را هم می شناسیم و با آنها تماسهای مقطعی داریم اما مکانیسمهایی را در نظر گرفته ایم که تا پایان ۱۳۷۵ بتوانیم با حدود ۷۰ الی ۸۰ درصد فارغ التحصیلان تماس دائم داشته باشیم.

○ ممکن است در مورد اهداف این دفتر هم توضیحاتی بفرمایید؟

● هدفی که ما را واداشت تا دنبال این کار باشیم این بود که می دیدیم در میان فارغ التحصیلان دانشگاه کسانی هستند که در صنعت و مشاغل اجرایی افراد بسیار موفق می باشند و ما خواستیم این ارتباط را از دانشگاه به صنعت و به طور معکوس از صنعت به دانشگاه برقرار کنیم تا بتوانیم از تجربیات کسانی که در صنعت هستند استفاده نماییم و در ضمن از طریق آموزشهای حین خدمت ارزش کاری آنها را بالا برده دانش آنها را به روز برسانیم.

○ چه تعداد از کسانی که با شما مرتبطند در خارج از کشور اقامت دارند؟

● رقم کلی افرادی که ما در خارج داریم نسبت به کل فارغ التحصیلان خیلی چشمگیر نیست. ما آدرس و مشخصات کامل حدود ۱۵۰ نفر را داریم و حدود ۱۰۰ نفر را هم می دانیم در خارج هستند و مشغول پیدا کردن آدرس آنها هستیم. البته اینها کسانی هستند که ما دقیقاً اطلاع داریم که در خارج هستند و اکثر آنها در دانشگاه های خارجی به عنوان کادر علمی مشغول به کارند، ما هم کارنامه های پژوهشی خود را برای آنها می فرستیم و بعضاً ما از آنها دعوت می کنیم تا در داخل کشور سمینارهایی برگزار کنند یا به عنوان استاد مدعو تدریس نمایند.

○ آیا این افراد در صنایع و مراکز پژوهشی هم فعال هستند؟

● برخی از این اشخاص اینجا در کار اجرایی و حال که به خارج هم رفته اند در همین زمینه مشغول بکارند. اما به دلیل نفس علمی بودن دانشگاه، مایشت با کسانی مرتبط هستیم که در مراکز علمی یا دانشگاهها مشغول به کارند.

○ شما چه عواملی را در عدم جذب اینگونه استعدادها در مراکز داخلی مؤثر می دانید؟

● این مطلب ابعاد مختلفی دارد و نمی توان روی نکته خاصی انگشت گذاشت اما مطلب عمده ای که من می توانم روی آن تکیه کنم، با توجه به تماسی که با اینگونه اشخاص دارم، اکثر آنها علاقمند هستند اگر امکاناتی برایشان فراهم شود، به کشور بازگردند. حتی ما طرحی از طریق انجمن فارغ التحصیلان ریخته ایم تا یک مجتمع بین المللی فنی - مهندسی پزشکی در شمال ایران ایجاد نمایم و در این زمینه با اکثر کسانی که صحبت کرده ایم، اعلام آمادگی نموده اند که در صورت احداث چنین مجتمعی حاضرند در سال چندماه را در داخل کشور به کار بپردازند.

من به شخصه در اینها انگیزه بازگشت را زیاد می بینم و اگر دفتر جذب نخبگان وابسته به نهاد ریاست جمهوری یک مقدار

فعالتر با این موضوع برخورد کند می‌توانیم انشاء... از این افراد بیشتر استفاده نماییم

من پیشنهادم این است که در همین دفتر جذب نخبگان جلساتی برقرار شود و ما هم حاضریم این اطلاعاتی که از این دوستان داریم و نظرات ایشان را در این جلسات انعکاس دهیم که مسئولان اجرایی مملکت هر چه سریعتر در این مورد تصمیماتی را اتخاذ نمایند تا در این شرایط که کشور ما در حال توسعه می‌باشد بتوانیم از این نیروهای خلاق بهره بگیریم.

○ در صحبتی که با عده ای از دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد داشتیم، به این نکته اشاره داشتند که به سبب عدم گسترش کافی در امر پژوهشی، زمینه بهره‌گیری از تواناییهای کسانی که در مقطع کارشناسی ارشد یا دکترا فارغ‌التحصیل شده‌اند، در صنایع ایران نمی‌باشد. نظر شما در این مورد چیست؟

● در مورد توانایی صنایع در زمینه جذب متخصصان سطح بالا من با این دوستان موافق نیستم البته کار تحقیقاتی در کشور ضعیف است و این را نمی‌توان منکر شد اما در حال حاضر در طرحهایی که در حال اجرا می‌باشند واقعاً به این گونه تخصصها نیاز داریم. بخصوص با فشارهایی که کشورهای غربی به ما وارد می‌آورند در زمینه دسترسی به تکنولوژی پیشرفته محدودیتهایی داریم. بنابراین بهره‌گیری از متخصصان داخلی در صنایع و طرحهای در حال اجرا بسیار ضروری است. در حال حاضر در صنایع بزرگ نظیر پتروشیمی یا صنایع چوب و کاغذ همان تکنولوژی مدرن را کارشناسان خودمان دارند پیاده میکنند. من فکر میکنم دوستانی که زمینه کار در کشور را نمی‌بینند به سبب ارتباط ضعیفشان با صنایع، از واقعیتها اطلاع ندارند. البته ما معتقدیم به دلیل محدودیتهای مالی کار تحقیقاتی در ایران ضعیف است اما در همین زمینه هم ظرف چند سال اخیر رشد قابل ملاحظه داشته‌ایم که حتی حجم کارنامه‌های پژوهشی کشور هم می‌تواند مؤید همین مطلب باشد. علی‌رغم تمام مشکلاتی که به آنها اشاره شد نمی‌توان توانایی دانشگاه‌های کشور را در پرورش نیروهای جوان و برجسته‌ای که در حال حاضر در داخل یا خارج مایه مباهات و سرافرازی می‌باشند، انکار نمود. یکی از نمونه‌های موفق اتمام دوره تحصیل تا سطح دکتری در داخل کشور، دکتر محمد مهدی نایی معاون آموزشی دانشگاه صنعتی شریف می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۶۳ در رشته الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شده و در سال ۱۳۶۹ با اخذ درجه فوق لیسانس آنرا به پایان برد. در همان سال برای اولین بار در ایران دانشگاههای امیرکبیر و تربیت مدرس دوره دکتری مهندسی برق را دایر نمودند که دکتر نایی دانشگاه تربیت مدرس را انتخاب نموده در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ درجه دکترا در رشته مخابرات از این دانشگاه شده است. ایشان از سال ۱۳۷۳ به دانشگاه شریف بازگشته و در همان دانشکده‌ای که درس می‌خوانده است به تدریس مشغول گردیده ضمناً از سال ۱۳۷۴ به سمت معاون آموزشی این دانشکده نیز منصوب شده است. دکتر نایی نقطه نظرات خود را در مورد تمایل عده بسیاری از دانشجویان دانشکده برق دانشکده شریف برای ادامه تحصیل در خارج اینگونه تشریح می‌کند: در اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ صحبتی در ارتباط با ادامه تحصیل دانشجویان در خارج از کشور با آنها داشتیم که این بحث جهت گیری خاصی در بر نداشت و بیشتر در مورد معایب و محاسن تحصیل در خارج از کشور گفتگو شد و اینکه در صورت برگزیدن تحصیل در خارج از کشور چه نکاتی باید در نظر گرفته شود. نکته اصلی که پیش از ورود به این بحث مطرح کردم براساس ذهنیت اکثر دانشجویان در مورد دانشگاههای خارج از کشور بود و کوشیدم این موضوع را تفهیم نمایم که دانشگاههای ما به عکس آنچه که اغلب ما فکر می‌کنیم دست کمی از دانشگاههای کشورهایی که به‌عنوان مهد علم شناخته شده‌اند، ندارند. و حتی از بسیاری از دانشگاههای خارجی بهتر هستند و این جای تأسف دارد که ما با یک چنین دیدی به دانشگاههای کشورمان بنگریم. البته این دید در مورد کسانی که خود در داخل دانشگاه نیستند بیشتر به چشم می‌خورد. به عنوان مثال اگر از عامه مردم بدون در نظر گرفتن دانشگاه خاصی پرسیده شود فارغ‌التحصیلان دانشگاه آمریکایی بهتر است یا ایرانی پاسخ داده خواهد شد فارغ‌التحصیلان دانشگاه آمریکایی. در صورتی که چه بسا دانشگاه‌هایی در امریکا وجود دارند که از دانشگاههای ما صد چندان پایین‌ترند. موضوعی که باید از آن صرف نظر نمود آن است که با چشم بسته به صرف خارجی بودن، چیزی را بهتر ندانیم. این دید در اثر سابقه فرهنگی و غرب زدگی که در کشورمان همیشه با آن روبرو بوده‌ایم، بوجود آمده است. در ادامه بحث مثالهایی از نحوه تدریس استادهاى دانشگاههای آمریکا

و افرادی که در اینجا به عنوان استاد بد شناخته شده بودند و پس از رفتن به خارج استاد‌های برجسته‌ای تلقی شدند برای دانشجویان ذکر کردم، چه بسا استادانی در ایران داریم که اگر به خارج بروند افرادی برتر و صاحب کرسی دانشگاهی خواهند بود ولی ما در اینجا قدر آنها را نمی‌دانیم. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دوره لیسانس می‌پندارند که در داخل چیزی برای ادامه وجود ندارد و باید به خارج بروند در صورتی که در دوره فوق لیسانس که ده سال است در داخل کشور دایر شده سطح تحقیقات به مراتب بالاتر و قویتر از خارج انجام میشود و تمام کسانی که با تحصیل در داخل و خارج (هر دو) آشنایی دارند بهمین علت در چندسال اخیر وزارت علوم نیز به این سمت روی آورده است که سطح فوق لیسانس را با کشورهای دیگر هم تراز نماید. به همین ترتیب در مورد دوره دکتری نیز سعی شده است با استحکام کامل شروع شود و سخت‌گیریهایی هم که انجام میشود در همین راستا باشد.

یکی از مسائلی که دانشجویان دوره فوق لیسانس مطرح می‌کنند آن است که امکانات برای دوره لیسانس کاملاً کفایت می‌کند ولی برای دوره‌های تکمیلی یک دانشجوی باید کارهایی را انجام دهد که وظیفه او نیست و برای یک کار برابر، دانشجوی ایرانی باید انرژی بیشتری نسبت به دانشجویی که در کشورهای دیگر درس می‌خواند، صرف کند. و دلیل آن هم عدم هماهنگی میان دانشگاهها با سایر سازمانها بویژه بخشهای صنعتی می‌باشد.

این موضوع د یک نقطه ضعف باشد که برای انجام یک کار اجرایی به این صورت انرژی مصرف شود. ولی باید به این نکته توجه داشت که در خارج امکانات بسیاری در اختیار دانشجوی قرار می‌گیرد ولی عاقبت کاری را انجام می‌دهد که نیازی در یک کشور بیگانه رفع می‌کند و بیش از آنکه علم دانشجوی ایرانی را ارتقا دهد چرخ آنها را می‌چرخاند ولی دوندگیهای پی در پی داخل کشور حداقل این مزیت را دارد که کاری برای مملکت خودمان انجام می‌دهیم. دسترسی به منابع علمی نیز مشکل می‌باشد و کتابخانه‌های کشور ما غنای کتابخانه‌های خارجی را ندارند، امکانات کامپیوتری و اطلاع‌رسانی نیز در خارج به طور کاملاً محسوسی بیشتر از ایران است ولی اگر دانشجوی صرفاً خود را به دانشگاه خویش محدود ننماید و از منابع اطلاعاتی دانشگاههای دیگر و مراکز تحقیقاتی و صنایع مختلفی که در تهران یا شهرهای دیگر هستند به صورت مجموعه و در کنار هم استفاده نماید به بانک اطلاعاتی وسیعی دست می‌یابد. به طور خلاصه با همه کاستیهایی که وجود دارد کار ممتنع نیست و با اندکی سعی و کوشش میتوان کارهای بسیار انجام داد و این تلاش ارزش آن را دارد که برای وطن خودمان انجام پذیرد.

متأسفانه پدیده‌ای که در جامعه فعلی در حال رشد است بی‌تفاوتی اعتقادی چه از جنبه مذهبی و چه از جنبه ملی است و وجهه اجتماعی مد نظر دانشجویان می‌باشد و این تصور برای آنان پیش می‌آید که به تحصیل در سطح فوق لیسانس و دکتری نیاز نیست زیرا صنعت و مراکز تحقیقاتی کشور قادر به جذب سیل فارغ‌التحصیلان آینده کشور نیستند

تحقیق در صنایع ما خیلی کمتر از آنست که باید باشد و اغلب صنایع ما (نه همه آنها) فاقد بخش تحقیقات می‌باشند. و علت اصلی آن، این است که هم صنعت، وارداتی است و هم دانشگاهیان، و تمام هم و غم مدیر کارخانه صرف آن می‌شود که کارخانه را سر پا نگه دارد و تولید را متوقف نکند و در نتیجه به بهبود وضعیت تولید نمی‌اندیشد سیستم آموزش عالی ما هم بر مبنای سیستم آموزش عالی آمریکا شکل گرفته و استادان ما نیز از کشورهای غربی فارغ‌التحصیل شده‌اند و زمینه‌هایی که در آن تخصص گرفته‌اند به درد پیش بردن آخرین تکنولوژیهای روز می‌خورد و نمی‌تواند دست این کودک نوپا را بگیرد و به همین ترتیب دانشجویی که در این سیستم تربیت می‌شود نمی‌تواند دردی را از صنعت دوا کند. به همین دلیل صنعت به راه خود می‌رود و دانشگاه هم به راه خود و این جدایی به نظر من معلول تحصیل در خارج است. بنابراین دوره‌های تکمیلی در داخل کشور باید به گونه‌ای طراحی شوند که فارغ‌التحصیلان آن جذب صنعت شوند و به تحقیقات در صنعت بهای بیشتری داده شود.

○ یکی از عواملی که در رشد مهاجرت می‌تواند مؤثر باشد مشکلات اجتماعی است. دانشجو آرزوها و تصورات خود را در دانشگاه محقق نمی‌بیند و آنهم که فارغ‌التحصیل در محیط کار و اجتماعی شأن و منزلتی را که مد نظر داشته پیدا نمی‌کند و حتی از نظر اقتصادی هم تأمین نمی‌شود و در نتیجه به فکر مهاجرت می‌افتد در این زمینه شما چه نظری دارید ؟

● یکی از مزیت‌های زندگی در خارج این است که با کارکردن در مدت زمان محدودی نیازهای اولیه یک زندگی تأمین می‌شود. ولی یکی از تدابیری که در کشور اندیشید دامن نردن به تفاوت‌های موجود است. به عنوان مثال نگوییم در صورت بازگشت افراد از خارج اختیار این چنین و آن چنین در اختیارشان قرار می‌دهیم بلکه به آنها که در داخل کشور هستند بها بدهیم و این امکانات را در اختیارشان قرار دهیم در این صورت خواه یا نا خواه آنان هم که در خارج جذب خواهند شد و باز خواهند گشت.

○ به دانشجویانی که به هر حال قصد ادامه تحصیل در خارج را دارند چه توصیه‌هایی دارید؟

● یکی از توصیه‌هایی که می‌توانم به دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور را دارند، بکنم این است که با دید باز و صحیح انتخاب کنند. بخصوص دانشگاه مورد نظرشان را از نظر امکاناتی که دارد بسنجند و در زمینه‌هایی کار کنند که به درد کشورشان بخورد و امکانات آن در ایران موجود باشد. حتی تکرار کارهایی که در کشورهای دیگر انجام شده است در ایران می‌تواند با ارزش باشد.

○ آیا امتحانات اعزام با این تطابق انجام می‌شوند با این هماهنگی‌ها عمل می‌شود؟

● فکر می‌کنم، خیر، زیرا مثلاً آمریکا را که بهترین دانشگاهها را دارد کنار می‌گذاریم و دانشجو را مثلاً به استرالیا اعزام می‌کنیم، اینکه درها را ببندیم و دانشجو را وادار کنیم فقط در داخل تحصیل کند نیز درست نیست. و باید ارتباط علمی وجود داشته باشد.

به علت کمبود امکانات، دانشجویان برای اعزام گزینش می‌شوند و نخبه‌ترین آنها اعزام می‌شوند. بالتبع امکان رشد این افراد نیز بالاست و مسئله‌ای که جای سؤال دارد اینست که در صورت اعزام اینگونه افراد به کشورهای توسعه یافته، آنها تاجه اندازه‌ای اجازه بازگشت به این افراد را می‌دهند؟ و آیا فکر نمی‌کنید اعزام دانشجو به کشورهای که از نظر صنعتی با کشور ما تشابه بیشتری دارند، کارسازتر باشد تا اعزام او به کشورهای صد درصد پیشرفته و صنعتی؟

انتخاب صحیح و سنجیده یعنی همین. البته ما به همه گونه افراد نیاز داریم و فرد باید از ابتدا توجه شده باشد و بداند که چه می‌خواهد و چه بسا افراد بسیار ارزنده‌ای را بتوانیم در هندوستان پرورش دهیم نکته دیگر اینکه گاهی در صنایع، خارج خیلی بیشتر می‌تواند باعث ارتقاء فرد شود تا کار صرفاً دانشگاهی در مورد اجازه بازگشت فارغ‌التحصیلان به ایران می‌توانم بگویم به آن صورت اجباری از جانب کشور میزبان وجود ندارد و بیشتر جاذبه‌هاست که آنان را وادار به ماندن در کشور بیگانه می‌کند. و این نشان می‌دهد افرادی که اعزام می‌شوند باید دوره‌های توجیهی را بگذرانند تا با دید روشنی اعزام شوند و حس خدمت به وطن در آنها تقویت شود نکته دیگری که به ذهن می‌رسد این است که این جوانان نباید در کشورهای دیگر تنها بمانند در برخی از کشورها اجتماعات و جلسات دانشجویان ایرانی مقیم آن کشورها به قدری زیاد است که شاید در ایران هم به آن میزان گرد هم جمع نشوند. وجود چنین جلساتی در حفظ آنان از نظر فرهنگی بسیار مفید است. بطور کلی در مورد اعزام دانشجو باید بگوییم، هم بستن درها و هم اعزام بی‌در و پیکر بدون شناسایی دانشگاههای مناسب، مفید نمی‌باشند دانشجو باید با انگیزه ورود تکنولوژی، به خارج اعزام شود. اشتباه است که فکر کنیم با صرف اعزام دانشجو تکنولوژی خارج به ایران خواهد آمد.

○

○

○

